

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویجی پراشاد
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
23 نومبر 2024

دست و پای زدن در گل و لای در دایره پنجم جهنم



دوستان عزیز،

سلامی گرم از میز ترکنتینتال: مؤسسه تحقیقات اجتماعی.

زمانی که دانته آلیگیری و راهنمایش به پنجمین دایره جهنم در «کمدی الهی» می‌رسند، به رود استیکس برمی‌خورند، جایی که افرادی که در زندگی نتوانسته‌اند خشم خود را کنترل کنند، اکنون در آب‌های گل‌آلود و متلاطم غوطه‌ور شده و با یک دیگر می‌جنگند. زیر آن‌ها کسانی هستند که در زندگی غمگین بوده‌اند و ناامیدی‌هایشان به صورت حباب‌هایی به سطح می‌آید:

«و من که با دقت ایستاده بودم،

مردمی را در آن دریاچه گل‌آلود دیدم.

همه برهنه و با چهره‌های خشمگین.»

آن‌ها تنها با دستانشان به یکدیگر نمی‌زنند،

بلکه با سر و سینه و پاها،
یکدیگر را تکه‌تکه می‌کنند.

هر فرهنگی نوعی از این توصیف جهنم را به تصویر می‌کشد، جایی که کسانی که قوانین را نقض کرده‌اند، مجازات می‌شوند. برای مثال، در دشت گنگ هند، قرن‌ها قبل از دانتته، نویسندگان ناشناس «گارودا پورانا» بیست و هشت نوع نارکا (جهنم) را توصیف کردند. شباهت‌های بین «جهنم» دانتته و «گارودا پورانا» ناشی از وحشت‌ها و ترس‌های مشترکی است که انسان‌ها دارند: زنده زنده خورده شدن، غرق شدن و مثله شدن. گویی عدالت موجود برای اکثر مردم زمین کافی نیست و امید به عدالت الهی وجود دارد که سرانجام مجازاتی معوق را تحمیل خواهد کرد.

در جنوری ۲۰۲۵، دونالد ترامپ – که سیاست خشم را پرورش داده است – برای دومین بار به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده سوگند یاد خواهد کرد. چنین سیاست خشم‌آوری در بسیاری از کشورها، از جمله اروپا وجود دارد – قاره‌ای که خود را بالاتر از احساسات خشن می‌داند. لیبرال‌ها تمایل دارند این سیاست خشم را فاشیسم بنامند، اما این دقیق نیست. ترامپ و هم‌تایان سیاسی‌اش در سراسر جهان (از جورجیا ملونی در ایتالیا تا خاویر میلی در ارجنتاین) خود را به عنوان فاشیست معرفی نمی‌کنند و از نمادها یا لحن یکسانی استفاده نمی‌کنند. اگرچه برخی از پیروان آن‌ها نمادهای فاشیستی مانند سوستیکا را به نمایش می‌گذارند، اما بیشتر آن‌ها محتاط تر هستند. آن‌ها یونیفورم نظامی نمی‌پوشند و ارتش را برای کمک فرا نمی‌خوانند. سیاست آن‌ها در لحن مدرن توسعه و تجارت همراه با وعده شغل و رفاه اجتماعی برای شهروندان بیان شده است. آن‌ها انگشت اتهام خود را به سوی توافق نئولیبرالی احزاب قدیمی لیبرالیسم و محافظه‌کاری نشانه می‌روند و آن‌ها را به خاطر نخبه‌گرایی‌شان تمسخر می‌کنند. آن‌ها افرادی از خارج از رده‌های نخبگان را به عنوان نجات‌دهنده معرفی می‌کنند؛ مردان و زنانی که می‌گویند بالاخره صدای کارگران ناپدید شده و طبقه متوسط رو به افول خواهند بود. آن‌ها با خشم صحبت می‌کنند تا خود را از احزاب قدیمی لیبرالیسم و محافظه‌کاری متمایز کنند، احزابی که بدون احساس درباره چشم‌انداز اجتماعی و اقتصادی وحشتناک فعلی صحبت می‌کنند.

این سؤال پیش می‌آید: آیا رهبران این «راست افراطی خاص» – نوع جدیدی از راست که به لیبرالیسم وابسته است – کار خاصی انجام می‌دهند؟ نگاهی دقیق نشان می‌دهد که آن‌ها تنها بر پایه‌ای که توسط رهبری بی‌رنگ احزاب قدیمی لیبرالیسم و محافظه‌کاری بنا شده، بنا می‌کنند. برای مثال، احزاب قدیمی:

– با خصوصی‌سازی و کاهش مقررات اجتماعی، بافت اجتماعی را تخریب کردند.

– با سیاست‌های «اوبرا‌یزیشن»، اتحادیه‌های کارگری را تضعیف کردند.

– ناامنی و تکه تکه شدن جامعه را ایجاد کردند.

– سیاست‌هایی را تحمیل کردند که باعث افزایش تورم و کاهش دستمزدها شد.

چنین سیاست خشم‌آوری در جامعه در حال حرکت است، هرچند هیچ یک از آن‌ها توسط راست افراطی خاص ایجاد نشده است. جهانی پر از خشم محصول توافق نئولیبرالی احزاب قدیمی لیبرالیسم و محافظه‌کار است. نه «آلترناتیو برای المان (AfD)»، نه «اجتماع ملی» فرانسه یا ترامپ در دوره اولش این جهان را تولید کرده‌اند، هرچند سیاست‌هایشان ممکن است نفرت‌انگیز باشد. وقتی این گروه‌ها قدرت دولتی را به دست می‌آورند، از جامعه‌ای بهره‌مند می‌شوند که توسط توافق نئولیبرالی تولید شده است.

زبان ترمپ و خانواده سیاسی او با این حال نگران‌کننده است. آن‌ها با خشم عادی صحبت می‌کنند و این خشم را علیه آسیب‌پذیران (به ویژه مهاجران و مخالفان) برمی‌گردانند. مثلاً ترمپ درباره پناهندگان صحبت می‌کند گویی آنها آفت هائی هستند که باید نابود شوند. زبان قدیمی‌تر و فاسدتر نیز در لحن راست افراطی خاص شنیده می‌شود؛ زبانی پر از مرگ و بی‌نظمی. اما این لحن آن‌هاست نه سیاست‌هایشان. احزاب قدیمی توافق نئولیبرالی قبلاً ارتش‌های خود را به مرز فرستاده‌اند، حلبی‌آبادها را اشغال کرده‌اند، کمک‌های اجتماعی را از بودجه کشور‌هایشان حذف کرده‌اند و هزینه‌های سرکوب داخلی و خارجی را افزایش داده‌اند. سیاستمداران قدیمی توافق نئولیبرالی خواهند گفت که «اقتصاد» شکوفا است؛ منظورشان این است که بازار سهام غرق در شامپاین است؛ آن‌ها خواهند گفت که حق زنان برای کنترل سلامت خود را حفظ خواهند کرد اما هیچ قانونی برای انجام این کار تصویب نمی‌کنند؛ آن‌ها خواهند گفت که طرفدار آتش‌بس هستند اما انتقال سلاح‌ها برای ادامه جنگ و نسل‌کشی را مجاز اعلام می‌کنند. توافق نئولیبرالی قبلاً جامعه را دچار اختلال کرده است. احزاب راست افراطی فقط ریاکاری را کنار می‌زنند. آن‌ها نه تضاد توافق نئولیبرالی هستند بلکه تصویر دقیق‌تر آن هستند.

با این حال، خشم غیرمنطقی حالت مردم رأی‌دهنده به احزاب راست افراطی خاص نیست؛ کلیشه‌ای که توسط سیاستمداران غیرخلاق نئولیبرال بافته شده است. لحن سیاستمداران برجسته راست افراطی خاص باید جایی در پنجمین دایره جهنم دانته داشته باشد. آن‌ها خشمگین هستند. رقبای نخبه‌شان، سیاستمداران احزاب قدیمی لیبرالیسم و محافظه‌کاری، غمگین هستند؛ زیر گل، احساساتشان خاموش شده است.

در سال ۲۰۱۷، بنیاد پرسو آبرامو برزیل مطالعه‌ای درباره ادراکات سیاسی و ارزش‌های ساکنان فاوولای سائو پائولو منتشر کرد که نشان داد آن‌ها طرفدار سیاست‌های اجتماعی برای کمک‌های بیشتر به جامعه هستند. آن‌ها می‌دانند کار سختشان منجر به تأمین نیازهای کافی نمی‌شود؛ بنابراین امیدوارند سیاست‌های دولتی حمایت بیشتری فراهم کند. این نظرات باید منجر به رشد سیاست طبقاتی شود. اما محققان دریافته‌اند که چنین چیزی اتفاق نیفتاده است: بلکه ایده‌های نئولیبرال به فاوولای سائو پائولو سرازیر شده‌اند تا ساکنان آنجا جنگ اصلی را نه بین ثروتمندان و فقراء بلکه بین دولت و افراد ببینند؛ نقشی برای سرمایه‌کنار گذاشته شده است. یافته‌های این مطالعه در بسیاری دیگر از تحقیقات مشابه تکرار شده است. نه این که بخش‌هایی از طبقه کارگر که به راست افراطی خاص روی آورده‌اند غیرمنطقی خشمگین یا توهم دارند؛ بلکه آن‌ها درباره تجربه‌شان واضح هستند اما تخریب زندگی‌شان را بر دوش دولت می‌اندازند. آیا می‌توانید آنها را سرزنش کنید؟ ارتباطشان با دولت نه توسط کارگران اجتماعی یا دفاتر رفاه شکل گرفته بلکه توسط خشونت پولیس ویژه‌ای شکل گرفته که مجاز به انکار حقوق مدنی و انسانی‌شان هستند. بنابراین، آن‌ها دولت را با توافق نئولیبرالی مرتبط کرده و از آن متنفر می‌شوند. برخاستن از این آب‌های گل‌آلود، سیاستمداران راست افراطی همچون نجات‌دهندگان بالقوه ظاهر می‌شوند؛ فرقی نمی‌کند که هیچ برنامه‌ای برای معکوس کردن کشتاری که سیاست‌های نئولیبرالی احزاب قدیمی بر جامعه تحمیل کرده‌اند ندارند: حداقل ادعا دارند که آنها نیز از آن متنفرند.

اما برنامه راست افراطی خاص حل مشکلات اکثریت نیست: بلکه عمیق‌تر کردن آنهاست با تحمیل نوعی ملی‌گرایی تلخ بر جامعه؛ ملی‌گرایی که ریشه در عشق به هم نوع ندارد بلکه ریشه در نفرت از آسیب‌پذیران دارد. این نفرت سپس تحت عنوان وطن‌پرستی پنهان می‌شود؛ اندازه پرچم ملی بزرگتر شده و شور و شوق نسبت به سرود ملی افزایش پیدا می‌کند. وطن‌پرستی شروع به پخش عطر خشم و تلخی کرده است؛ خشونت و ناامیدی را تشویق می‌

کند؛ جهنم را تصویر می کند. وطن پرستی درباره پرچمها و سرودها یک چیز است اما وطن پرستی علیه گرسنگی و ناامیدی چیز دیگری است.

انسانها آرزو دارند شرافتمند باشند اما این آرزو تحت فشار ناامیدی و کینه خاموش شده است. دانته و راهنمایش نهایتاً از دایره های جهنم عبور کرده، جویبارها و دره ها را پشت سر گذاشته تا به یک سوراخ کوچک در آسمان برسند که بتوانند ستاره ها را ببینند و نخستین نگاهشان به بهشت باشد. ما نیز آرزو داریم ستاره ها را ببینیم.
با احترام،

ویجی

[18 نوامبر 2024](#)

دست و پا زدن در گل و لای در دایره پنجم جهنم: خبرنامه چهل و ششم (2024)